

قضایی در این موضوعات هیچ کمکی به افزایش تولید و سرمایه‌گذاری در کشور نداشته باشد. فقدان کارآمدی نهادهای تخصصی و پشتیبانی چون اتاق‌های بازرگانی و ... همگی موجبات بروز مشکلات جدی در این حوزه شده است.

پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی: نظام حقوق مالی کشور و به‌طور خاص معافیت‌های مالیاتی موجود برای سرمایه‌گذاران در قانون مالیات‌های مستقیم (مواد ۱۳۸، ۱۴۱ و ۱۴۳) تا چه حد توانسته در رشد سرمایه‌گذاری مؤثر باشد؟ به نظر شما نارسایی‌های نظام مالیاتی کشور در حمایت از سرمایه‌گذار چه مواردی است؟

موضوع مشکلات سرمایه‌گذاری به قدری جدی است که معافیت‌های مالیاتی نمی‌تواند انگیزه جدی برای اقدام به سرمایه‌گذاری ایجاد نماید. چالش‌های سرمایه‌گذاری بیشتر در مراحل سرمایه‌گذاری تا شروع فعالیت است و نه مرحله بعد که شامل فعالیت و کسب درآمد است. به همین دلیل در ابتدا باید چالش‌های مراحل پیش‌بینی را حل نمود، در ضمن معافیت‌ها به علت اختلاف رویه و ابهامات در قوانین دارای ابهامات و اشکالات فراوانی است و اگرچه می‌تواند مثبت تلقی شود؛ ولی باید با رویه واحد در سطح کشور و شفاف‌سازی آن‌ها موجبات تشویق سرمایه‌گذاران را ایجاد کرد. موضوع برداشت‌های شخصی ممیزان مالیاتی از قوانین و مقررات چالش جدی است که تمامی مؤدیان مالیاتی با آن روبه‌رو هستند و ایجاد وحدت رویه و عدم امکان اعمال اغراض شخصی و برداشت‌های فردی از قوانین و مقررات موضوعی است که باید به نحو جدی تدبیر شود.

پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی: بی‌ثباتی شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ ارز، تورم مصرف‌کننده، گرانی مواد اولیه و ... باعث شده به امنیت سرمایه‌گذاری در کشور آسیب جدی وارد شود. با توجه به اینکه مطابق بند «ت» ماده ۴۳ برنامه ششم توسعه و ماده ۲۰ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، دولت موظف به تعیین سازوکار لازم برای پوشش خطرات افزایش سالیانه بیش از ۱۰ درصد نرخ ارز در بودجه سنواتی بوده و اجرا نشدن این موضوع و بی‌توجهی دولت به حمایت از سرمایه‌گذار موجب بی‌ثباتی

اقتصادی شده است، پیشنهاد شما برای حل این موضوع از لحاظ حقوقی چیست؟ آیا ورود مدعی‌العموم به این ترک فعل‌ها می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

این موضوع قبلاً هم در قوانین برنامه تحت عنوان «بیمه نرخ ارز» مطرح بود. مشکل این موضوع چند مورد است، ابتدا به دلیل اینکه موضوع ارز به سیاست‌های متشدد بانک مرکزی و نامعلوم بودن آن بازمی‌گردد، باید از منظر بی‌ثباتی سیاست‌های بانک مرکزی با آن مواجه شد. بانک مرکزی در این موارد باید زبان‌های وارد به افراد را بر اساس قواعد عمومی مسئولیت دولت جبران نماید.

دوم پوشش بیمه و ریسک نوسانات نرخ ارز بیشتر به دلایل تحریم و دلایل سیاسی است که تحت پوشش بیمه‌های تجاری قرار نمی‌گیرد. یکی از دلایل عدم توفیق شرکت‌های بیمه در این مورد در سنوات قبل، نبود چنین پوشش‌هایی به دلیل عدم امکان برآورد نوسانات نرخ ارز و میزان خطر است، پس به‌طور طبیعی امکان استفاده از پوشش‌های بیمه‌های بازرگانی در این موارد وجود ندارد. در این صورت دولت باید مکانیسم‌هایی چون تضمین اعتبارات از طریق بانک توسعه صادرات یا صندوق ضمانت صادرات که در موارد مشابه وجود دارد؛ در این موارد هم اعمال کند و این موارد در عمل جبران خسارت بر عهده خود دولت قرار می‌گیرد. موضوع عدم امکان چنین پوشش‌هایی به عوامل سیاسی و بی‌ثباتی سیاست‌های دولت ناشی از تحریم‌ها و مداخلات فسادآمیز فعالان بازار ارز و سرمایه برمی‌گردد که متأسفانه امکان محاسبه افزایش نرخ ارز را کلاً برای اقتصاددانان هم دشوار می‌کند و بیشتر تابع عوامل سیاسی است. برای اساس به نظر می‌رسد این مشکل تابع مسئله ناتوانی دولت در تعیین نرخ ارز یا ایجاد ثبات در بازار ارز است که تاکنون برای آن راه‌حلی شناسایی نشده است و طبق قاعده این مشکل همچنان ادامه خواهد یافت. فعال‌سازی دولت در این بخش هم منوط به عدم مداخلات دولت در بی‌ثباتی است که به نظر می‌رسد متأسفانه سیاست‌های دولت خود در بروز این مشکل بی‌تأثیر نبوده است.

پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی: به‌عنوان جمع‌بندی بحث اگر نکته‌ای مدنظر شما

هست، بفرمایید.

موضوع سرمایه‌گذاری و حمایت از آن در نظام حقوقی - اقتصادی ما تابع عوامل متعددی است که باید در یک بسته توأمان دیده شود در غیر این صورت امکان حل و فصل آن وجود ندارد. به نظر می‌رسد موارد زیر اصلی‌ترین مواردی است که به‌صورت هماهنگ و توأمان باید دیده شود:

۱. سیاست‌های تولید و صنعت و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی؛
۲. شفافیت در قوانین و مقررات؛
۳. قطع ارتباط منافع اقتصادی شخصی با حوزه سیاست‌گذاری که در مواردی ذی‌نفعی افراد مانع اتخاذ تصمیمات صحیح می‌شود؛
۴. نظارت جدی بر عوامل فساد و پول‌شویی و منافع ناسالم؛
۵. ایجاد ستاد واحد ملی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مقررگذاری؛
۶. اعطای اختیار کامل به ستاد ملی برای وضع قوانین و مقررات و اجرای آن و نقض و لغو مصوبات قبلی؛
۷. شفاف‌سازی سیاست‌ها برای تسهیل در فرایندهای کسب‌وکار و صدور مجوزهای فعالیت؛
۸. حمایت از حقوق مالکانه درباره سرمایه‌گذاران؛
۹. اعمال حمایت‌های قانونی و قضایی نسبت به سرمایه‌گذاران؛
۱۰. ایجاد مشوق‌های لازم و کارآمد برای سرمایه‌گذاران؛
۱۱. ایجاد ثبات در قوانین و مقررات؛
۱۲. ارائه کمک‌های مشاوره‌ای و فنی و اقتصادی از سوی دولت برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران؛
۱۳. منع مداخله یا حتی اظهارنظر سایر مقامات دولتی و حکومتی و مذهبی در موضوعات و برنامه‌های اقتصادی؛
۱۴. وجود ثبات در سیاست‌های پولی و ارزی و بازار سرمایه؛
۱۵. الزام بر جبران خسارات توسط مقامات در خصوص تمامی موارد نقض در بندهای قبل؛
۱۶. تعریف منافع ملی کشور در برنامه‌های تولید و صنعتی و تجاری و اقتصادی و الزام همگان بر پایبندی به آن بر اساس ایجاد یک وحدت ملی و وفای و باور واحد بر آن.